



آسیبها و آفتهای زبان؛ از پرحرفی و هرزه گویی تا سکوت ذلت آور

بدون شک زبان یکی از بزرگترین نعمت های خداوند است، اما نباید به این دلیل هر چه بیشتر آن را به کار انداخت...

بدون شک زبان یکی از بزرگترین نعمت های خداوند است، اما نباید به این دلیل هر چه بیشتر آن را به کار انداخت و بدون حساب هر سخنی را بر زبان آورد، بلکه باید در موارد ضروری و مفید از آن استفاده کرد. به گزارش خبرگزاری مهر، "زبان" یکی از کوچکترین اعضای بدن ماست، اما در عین حال به تنهایی می تواند عامل بدترین گناهان باشد و هم وسیله برترین ثواب ها. ما در مقابل چشم و گوش و زبان مسئولیت بیشتری داریم تا این نعمت های الهی ابزار معصیت نشوند. اگر چشم را رها بگذاریم در پی نگاههای حرام و هوس آلود می رود و انسان را بدبخت می کند، اگر گوش را رها کنیم و آزاد بگذاریم سراغ شنیدن حرام می رود و اگر زبان رها باشد و نظارتی بر آن نداشته باشیم، گناهانی مثل دروغ، غیبت، تهمت، افشای راز، عیب جویی، آبروریزی و غیره از آن سر می زند.

یک آسیب های زبان پرحرفی است، امری که سبب خطا در گفتار می شود. از این رو کم حرفی و حفظ زبان یک امتیاز اخلاقی است و اگر بر اعضا خود که ابزار زندگی و تکامل هستند نظارت نداشته باشیم تبدیل به وسیله گناه می شوند. روزی باید پاسخگوی حرف هایی باشیم که گفته ایم و شنیده ایم و نگاه های که داشته ایم.

از جمله مباحث مهم و قابل توجه، بحث جرائم و آفات زبان است، زیرا بیش از آن اندازه که نعمت بیان و زبان مفید و ارزشمند است جرائم و آفات آن زبانبار و ناپسند است و همان گونه که هیچ عبادتی نزد خداوند برتر از سخن حق نیست، هیچ گناهی نیز بالاتر از سخن باطل نمی باشد. اگرچه فلاسفه نطق را در انسان مظهر تعقل و تفکر می دانند اما بهتر است ما از مکتب وحی بیاموزیم و "بیان" را به جای نطق انتخاب کنیم زیرا در واژه بیان نکته ای وجود دارد که در نطق نیست. بیان یعنی آشکار کردن، و سخن گفتن انسان از آن جهت بیان گفته می شود که آنچه در ضمیر و باطن انسان است به وسیله سخن آشکار می شود. اگر قوه تعقل و تفکر نبود انسان نمی توانست تمام خواست ها و نیازهای خود را ابراز دارد. مشخص است که نعمت بیان پس از تعلیم قرآن و آفرینش انسان بالاترین نعمت هاست. از این رو انسان باید قدر این نعمت را بداند.

ابعاد مختلف زبان

نعمت زبان و بیان از ویژگی های خاصی برخوردار است از این نکته نیز نباید غفلت کرد که زبان دارای دو بعد مثبت و منفی است و نمی توان گفت چون زبان نعمت عظمای الهی است پس باید هر چه بیشتر آن را به کار انداخت و بدون حساب هر سخنی را بر زبان آورد، بلکه باید در موارد ضروری و مفید از آن بهره برداری کرد.

به هر حال انسان عاقل و دوراندیش اول فکر می کند آن گاه سخن می گوید. حضرت علی (ع) می فرماید: "زبان عاقل در پشت قلب او جای دارد و قلب احمق پشت زبان اوست؛ یعنی انسان عاقل زبان خود را پیش از مشورت کردن و اندیشیدن به سخن نمی گشاید، ولی احمق قبل از این که فکر و اندیشه کند سخن می گوید.

بنابراین زبان عاقل دنباله رو قلب اوست، ولی قلب احمق از زبانش پیروی می کند. مومن و آگاه هر گاه بخواهد سخنی بگوید نخست می اندیشد اگر نیک بود بازگو می کند و اگر زشت و ناپسند بود از بازگود کردن آن خودداری می کند. اما شخص دورو و منافق آن چه بر زبانش جاری می شود می گوید و نمی اندیشد که کدام سخن به سود او، و کدام به زیانش تمام می شود. رسول خدا (ص) می فرمایند: ایمان هیچ بنده ای درست نمی شود مگر این که قلبش درست شود و قلبش درست نمی شود و تا آن که زبان او راست و مستقیم شود.

در برخی از روایات آمده که سکوت و خاموشی از سخن گفتن بهتر است بسیاری کسانی که از سخن گفتن نادم و پشیمان اند اما به خاطر سکوت هیچ گاه اظهار ندامت نمی کنند. رسول خدا (ص) فرمود: کسی که می خواهد سالم بماند باید سکوت کند. (محبه البیضاء ج 5 ص 193)

باید متذکر شد که هدف اصلی از احادیث سکوت این نیست که انسان باید همیشه و در همه حال دهان فرو بسته و زبان به سخن نگشاید و حتی در مقام احقاق حق خود و دیگران سکوت اختیار کند و به دفاع از خود برنخیزد بلکه هدف و مقصود جلوگیری از هرزه گویی کلام است و اگر در برابر ظلم و ستم سکوت کنیم، امر به معروف و نهی از منکر که از اهم واجبات می باشد به خطر می افتد.

در پایان باید گفت نعمت بیان با تمام ارزش و اهمیتی که دارد دارای دو بعد مثبت و منفی است و زبان یکی از اعضای اساسی انسان است که با آن افکار و نیت های درونی و نیز احتیاجات خود را به دیگران انتقال می دهیم و بدین وسیله به تبادل اندیشه و فکر و رفع نیازهای خود و دیگران می پردازیم و زبان وسیله ای است که با آن می توان بهشت را برای خود خرید و یا جهنم را نصیب خود کرد. پرهیزگاران زبان خود را کنترل و منطق و شیوه سخن گفتن خویش را با گناه آلوده نمی سازند.